

علم‌الهدی: رهبری به اقتدار رهبر ایران وجود ندارد

امام جمعه مشهد گفت: امروز روی کره زمین تمام سیاستمداران تحلیل می‌کنند که رهبری به اقتدار رهبر ایران وجود ندارد، این اقتدار از نفوذ ایشان در مردم، وابستگی و ارتباط مردمی مقام معظم رهبری است؛ بنابراین با آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بشر آماده پذیرش حکومت اسلامی خواهند بود، چون نمونه آن را در گذشته تجربه کرده‌اند.

به گزارش سایت خبری پرسون، حجت الاسلام سید احمد علم‌الهدی در هجدهمین جلسه تفسیر آیات قرآن کریم در ماه مبارک رمضان که در حسینیه دفتر نماینده ولی‌فقیه در استان خراسان رضوی برگزار شد با بیان اینکه آخرین سخن در جریان رابطه خدا و بشر، تکلیف انسان‌ها در برابر پیامبر(ص) است، اظهار کرد: یکی دیگر از آیات اندیشه‌ساز قرآن که امروز به تفسیر آن خواهیم پرداخت، آیه ۵۱ سوره مبارکه نور است.

وی با بیان اینکه هدایت انسان از مدیریت او جدا نیست، افزود: ذات مقدس پروردگار بشر را آفرید و هر چه لازم داشت به او عطا کرد، بنابراین طبیعی است خدایی که این همه جریان و ابزار فیزیکی و مادی را در جریان آفرینش انسان به کار انداخته است برای آن هدفی داشته و باید ابزار تحقق هدف را نیز در انسان قرار داده باشد. این هدف مسئله ارشاد و هدایت انسان‌ها است، آن هم در نظام خاصی که انسان‌ها را اداره و هدایت کند.

نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی عنوان کرد: با توجه به اینکه خواسته‌ها و منافع متفاوتی در بستر اجتماعی برای هر انسانی وجود دارد و از طرفی نیاز است که تمام آن‌ها با یکدیگر اداره شوند، خداوند متعال پیامبرانی را برای ارشاد بشر نازل کرد و مدیریت انسان‌ها را به آنان داد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا واقعاً انسان‌ها بدون پیامبران نمی‌توانند خودشان را اداره کنند؟

وی ادامه داد: این یک جریان فکری ریشه‌دار است که نه تنها در دنیا بلکه در کشور ما که نظام اسلامی دارد، نیز مطرح است، یعنی بسیاری از جریان‌های غیرهمسوی ما معتقد هستند که انسان‌ها را خدا خلق کرده و انسان‌ها خودشان توانایی اداره خود را دارند، پس نیازی به دین برای مدیریت انسان نیست، دین تنها برنامه می‌دهد و اجرای آن بر عهده خود انسان است. در مقابل این اندیشه، اندیشه دیگری وجود دارد که اعتقاد دارد، اگر جریان مدیریت انسان‌ها به یک جریان اجتماعی متصل به حق و خدا نباشد، مدیریت انسان‌ها قابل اداره کامل نیست و انسان‌ها قابل اداره شدن نیستند.

علم‌الهدی ریشه تمام اختلاف‌های سیاسی و فکری را نحوه اداره زندگی انسان توسط خودش یا دین دانست و گفت: از چند جهت باید مدیریت انسان دست خدا و مظاهر خدا باشد تا این مدیریت به صورت عادلانه برای انسان اجرا شود، در غیر صورت بشر قابل مدیریت نیست زیرا آن‌هایی که می‌خواهند مدیریت کنند در زمان قدرت یافتن از تمامی امکاناتی که در اختیار دارند به‌طور کامل در جهت حفظ منافع و مصالح عمومی مردم استفاده نخواهند کرد و ابتدا به دنبال منافع خود و جریان وابسته به خودشان هستند.

وی با اشاره به حاکمیت ۲۵۰ ساله مدرنیسم بر اندیشه غرب اضافه کرد: ژان ژاک روسو که مبدع اندیشه دموکراسی بود به این نظامی که در غرب حاکم است، اعتقادی نداشت، بر اساس نظر او اکثریت مردم باید حاکمیت کنند و اقلیت جامعه باید تابع آنان باشند، بنابراین این طرح تنها در یک روستا که جمعیت کمی دارد قابل اجرا است. به همین دلیل دموکراسی این نیست که مانند خرید لباس‌شویی برای شستن لباس‌ها انسان برای اداره سرنوشت خود به یک عده مزدور، مزد بدهد تا سرنوشت او و جامعه را اداره کند. نتیجه این نوع حکومت و دموکراسی در ۲۵۰ سال گذشته به دلیل منفعت خواهی و قدرت‌یابی عده خاصی منتهی به جنگ جهانی اول و دوم شد.

امام‌جمعه مشهد مقدس مدیریت مظاهر خداوند بر بشر را ساختاری و نه انتصابی و انتخابی اعلام کرد و گفت: خداوند متعال پیامبر(ص) و وصی معصوم (علیه‌السلام) را برای مدیریت ساخته است، در نتیجه این مدیریت انتصابی و انتخابی نیست، بلکه ساختاری است؛ وقتی امام جواد (علیه‌السلام) در سن هشت‌سالگی به امامت می‌رسند و یونس بن عبدالرحمن که از اصحاب خاص امام صادق (علیه‌السلام) بود، ایشان را محترم می‌شمارند و می‌پذیرند، مورد سؤال قرار می‌گیرد که چطور یک پسر هشت‌ساله را به عنوان رهبر و ولی انتخاب کرده است، می‌گوید «من مسائل بسیاری را در زمینه‌های مختلف از ایشان پرسیدم، امام جواد (علیه‌السلام) با همان کیفیت امام صادق (علیه‌السلام) به تمام آن‌ها پاسخ دادند پس من ایشان را به عنوان امام قبول دارم».

وی مدیریت در زمان غیبت را بر عهده یک مجتهد جامع‌الشرایط دانست که باید چندین شرط از جمله عدالت، تقوا و دیانت را داشته باشد و بیان کرد: هیچ اندیشه سیاسی نمی‌تواند چنین مدیریتی بیاورد زیرا مدیری که از ناحیه خدا باشد و خدا تعیین کند، بر اساس فطرت بشر مورد بشر تمام مردم قرار می‌گیرد. امروز روی کره زمین تمام سیاستمداران تحلیل می‌کنند که رهبری به اقتدار رهبر ایران وجود ندارد، این اقتدار از نفوذ ایشان در مردم، وابستگی و ارتباط مردمی مقام معظم رهبری است؛ بنابراین با آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بشر آمده پذیرش حکومت اسلامی خواهند بود، چون نمونه آن را در گذشته تجربه کرده‌اند.

علم‌الهدی با اشاره به سخنان اسحاق رابین، نخست‌وزیر معدوم اسرائیل در همایش دانشگاه لیون فرانسه که در دهه ۱۹۹۰ میلادی برگزار شد، تصریح کرد: او در این همایش سخنرانی کرد و گفت «قرن ۲۱ قرن پول نیست که شما بتوانید با پول و طلا بر مردم حکومت کنید، قرن زور نیز نیست که بتوان با ناوگان شناور اقیانوس‌ها بر دنیا حکومت کرد بلکه قرن «فرهنگ و ایدئولوژی» است و قوی‌ترین این فرهنگ‌ها که وقتی مرزهای ملی برداشته بشود

مورد استقبال همگانی قرار می‌گیرد، فرهنگ و ایدئولوژی اسلام است، بنابراین قرن ۲۱ اسلام بر دنیا حاکم می‌شود.

وی با بیان اینکه امروز موج اسلام‌گرایی مانند سیل در دنیا به راه افتاده است، ادامه داد: شما اگر می‌خواهید سلطه و قدرت خود را حفظ کنید باید اسلام را براندازی کنید، در غیر این صورت قدرت ندارید، زیرا برجسته‌ترین و برنده‌ترین ایدئولوژی اسلام است که با فطرت بشر مناسب است، انسان‌ها وقتی ببینند هر چه اسلام گفته حرام است، او نیز به صورت فطری نمی‌خواهد و هرچه اسلام حلال کرده انسان نیز همان را می‌خواهد به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

عضو مجلس خبرگان رهبری ادامه داد: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر (خدا) و پیشوایان ه (معصوم) خود را؛ و هرگاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

وی تمام مشکلاتی که مسلمانان صدر اسلام با پیامبر (ص) داشتند و امروز نیز در نظام سیاسی افرادی در زاویه‌ای که با مقام ولایت دارند را نپذیرفتن و ایمان نداشتن به این کلام خداوند دانست و ابراز کرد: در شان نزول این آیه یک روایت نقل شده از این عباس داریم که می‌گوید «وقتی پیامبر اکرم به مدینه وارد شدند، یک عده از مهاجرین نیز که توان مالی و فرصت داشتند، اموال خود را فروختند و به مدینه آمدند، امام علی (علیه‌السلام) نیز از مهاجرینی بود که توانست اموال و زمین خود را در مکه بفروشد و به مدینه بیاید، ایشان در مدینه با یکی از اقوام خود زمینی به شراکت خریدند. بعد از گذشت یک سال آن فرد نزد امام علی (علیه‌السلام) آمد که این زمین محدود و کوچک است یا تو سهم مرا بخر یا من سهم تو را بخرم، آن حضرت فرمودند من که پولی ندارم تا زمین تو را بخرم، زمین را به تو می‌فروشم».

علم‌الهدی خاطر نشان کرد: بعد از اینکه حضرت علی (علیه‌السلام) زمین را فروختند، عده‌ای آن مرد را دوره کردند که زمین علی بایر بوده و حاصلخیز نیست، تو اشتباه کردی و سودی از این معامله نخواهی برد، برو زمین را به علی پس بده و پول خود را بگیر؛ وقتی نزد امام علی (علیه‌السلام) آمد، حضرت فسخ کردن معامله را قبول نکردند و خواستند تا پیامبر (ص) بین آن‌ها حکم کند، ابتدا آن مرد پذیرفت، ولی وقتی با دیگران مشورت کرد، به او گفتند پیامبر علی را از همه بیشتر دوست دارد پس به این حکمیت رضایت نده؛ بنابراین مرد با خودش فکر کرد و پیش حضرت آمد و گفت من به حکمیت پیامبر (ص) راضی نیستم.

وی اضافه کرد: وقتی آن مرد این سخنان را گفت، این آیات نازل شد و خداوند فرمود «وقتی که این‌ها خوانده می‌شوند تا پیامبر بین آن‌ها حکم کنند، یک عده از آن‌ها از حکمیت پیامبر احرار می‌کنند، اما اگر بدانند پیغمبر حق آن‌ها را بهشان می‌دهند دنبال ایشان راه می‌افتند یا این‌ها بیمار دل هستند در دلشان مرضی است یا در اصل ایمان به پیامبر شک دارند و قبول ندارند».

امام‌جمعه مشهد مقدس با اشاره به رحلت پیامبر اکرم (ص) و واقعه سقیفه بنی‌ساعده توضیح داد: این واقعه پس از رحلت پیامبر (ص) در سال ۱۱ اقی بود که در آن ابوبکر بن ابی‌قحافه به عنوان خلیفه مسلمانان انتخاب شد. پس از وفات حضرت محمد (ص)، امام علی (علیه‌السلام) و برخی دیگر از صحابه مشغول تدارک مراسم تدفین ایشان بودند، در همان زمان عده‌ای از انصار به رهبری سعد بن عبادہ بزرگ قبیله خزرج، در سقیفه بنی‌ساعده جمع شدند تا برای انتخاب رهبر پس از پیامبر (ص) تصمیم بگیرند؛ بنابراین مشکل اصلی در زمان پیامبر (ص) و حضرت علی (علیه‌السلام) ایمان نداشتن به پیامبر و ولایت بود.